

سیره اخلاقی امام رضا (علیه السلام)



اخلاق، یکی از عناصر مهم شخصیت انسان است، و کاشف کیفیت ذات، و درون اوست. امام رضا علیه السلام به اخلاق عالی و ممتاز، آراسته بودند، و بدین سبب دوستی عام و خاص را، به خود جلب کردند.

اخلاق فردی:

ادب

اخلاق، یکی از عناصر مهم شخصیت انسان است، و کاشف کیفیت ذات، و درون اوست. امام رضا علیه السلام به اخلاق عالی و ممتاز، آراسته بودند، و بدین سبب دوستی عام و خاص را، به خود جلب کردند، همچنین انسانیت آن حضرت، یگانه و بی‌مانند بود، و در حقیقت تجلی روح نبوت، و مصداق رسالتی بود که خود آن حضرت، یکی از نگهبانان و امانت‌داران و وارثان اسرار آن به شمار می‌رفت. از ابراهیم بن عباس صولبی (1) نقل شده، که گفته است: من ابوالحسن الرضا علیه السلام را هرگز ندیدم در سخن گفتن، با کسی درشتی کند. من ابوالحسن الرضا علیه السلام را هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ از آن، قطع کند. هرگز درخواست کسی را، که قادر به انجام دادن آن بود، رد نفرمودند.

هرگز پاهای خود را، جلو همنشین، دراز نمی‌کردند.

هرگز در برابر همنشین تکیه نمی‌کردند.

هرگز او را ندیدم، که غلامان و بردگان خود را بد گویند.

هرگز او را ندیدم، که آب دهان بیندازند.

هرگز او را ندیدم، که فقهه بزند، بلکه خنده‌اش تبسم بود.

تا آنجاکه می‌گوید: هر که بگوید در فضیلت، کسی را مانند او دیده، از او باور نکنید. (2)

نقل شده زمانی که امام رضا علیه السلام مجبور به پذیرفتن ولایت عهدی شدند، چون روز عید فرا رسید مامون برای خواندن نماز از امام علیه السلام دعوت به عمل آورده ایشان با ساده‌ترین پوشش و با لباسی که مخصوص نماز عید بود حاضر شدند، این لباس عبارت بود از دو قطیفه روی لباس و عمامه سفیدی از کتان که به سر بسته بود که یک طرف آن را به سینه و طرف دیگری را میان دو شانه انداخته بودند عصایی به دست داشتند، در حالی که کفش برپا نداشتند چون همراهان ایشان این وضعیت را دیدند آنان هم چون امام راه افتادند.

زهد

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام جامع تمام فضائل بودند، به طوری که تمام صفات عالی در ایشان جمع شده بود. خصایص شریف امام رضا علیه السلام قسمتی از صفات جدش، بزرگترین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود که از میان پیامبران ممتاز بودند. ایشان درباره زهد به نقل از پدرانشان می‌فرمودند زاهد آن است که حلال دنیا را از ترس حساب و کتاب و حرام دنیا را از ترس عقاب ترک می‌کند. (3)

محمد بن عباد (4) درباره رفتار زاهدانه آن حضرت می‌گوید: پوشش ابوالحسن علیه السلام در طول تابستان همواره یک بوریا بود. ایشان در طول زمستان با همه عظمت و وقاری که داشتند پوششی ساده داشتند و به دور از هر گونه علامت‌گذاری و یا این که رنگ مخصوصی داشته باشد همیشه لباس زیر به تن می‌کردند مگر آن که می‌خواستند پیش مردم و به دیدن آنها بروند که در آن وقت بهترین لباس خود را می‌پوشیدند. (5)

امام می‌فرمودند: لباس مظهر خارجی انسان است نمی‌توان نسبت به آن بی‌توجه بود مومن ایجاب می‌کند که انسان در ملاقات با او، شئون خود و وی را رعایت کند و مقید باشد که پاکیزه و خوش لباس باشد. (6)

از دلالتی که امام رضا علیه السلام نزد مردم، لباس خوب می‌پوشیدند این بود که اگر ظاهر انسان تمیز و پاکیزه باشد، دیگران از دیدن این فرد لذت می‌برند و تحت تاثیر وی قرار می‌گیرند. هم چنان که از دیدن یک انسان کنیف و آلوده حالشان دگرگون می‌شود، ایشان لباس زیبا و پاکیزه می‌پوشیدند تا مردم با دیدن ایشان درس نظم و پاکیزگی را در کنار ساده زیستی بیاموزند و از طرفی نشان دهند که مومن از مال حلال در حدّ شأنش می‌تواند از امکانات این دنیا استفاده کند. همچنین نقل شده: در محیط خانه امام رضا علیه السلام آثاری از زندگی اشرافی وجود نداشت از زیور و زینت استفاده نمی‌کردند، مگر این که خود را به عود هندی خام بخور می‌دادند.

گوشه‌گیری از دنیا و ساده زیستی برجسته‌ترین صفات امام رضا علیه السلام بود. تمام روایان متفق القولند که وقتی آن حضرت ولیعهد مامون شدند هیچ توجهی به جنبه قدرت و عظمت آن نداشتند. نقل شده زمانی که امام رضا علیه السلام مجبور به پذیرفتن ولایت عهدی شدند، چون روز عید فرا رسید مامون برای خواندن نماز از امام علیه السلام دعوت به عمل آورده ایشان با ساده‌ترین پوشش و با لباسی که مخصوص نماز عید بود حاضر شدند، این لباس عبارت بود از دو قطیفه روی لباس و عمامه سفیدی از کتان که به سر بسته بود که یک طرف آن را به سینه و طرف دیگری را میان دو شانه انداخته بودند عصایی به دست داشتند، در حالی که کفش برپا نداشتند چون همراهان ایشان این وضعیت را دیدند آنان هم چون امام راه افتادند. (7)

نمونه دیگری از اخلاق امام رضا علیه السلام این بود که در دوران ولایت عهدی و تصدی بالاترین مقام در دولت اسلامی به هیچ یک از غلامانشان دستور نمی‌دادند که کارهای ایشان را انجام دهند.

روایت شده که وقتی ایشان به حمام نیاز داشتند از این که به کسی دستور بدهند حمام را برای ایشان آماده کنند، تفر داشتند و خود کارهای شخصی خویش را انجام می‌دادند. همچنین ایشان جهت همدردی با مردم به حمام عمومی شهر می‌رفتند و از نزدیک با مردم معاشرت داشتند. (8)

عبادت

عبادت، فروتنی در مقابل خداوند است. انسان کامل به هر اندازه به خدا نزدیک‌تر باشد به همان اندازه خشوع و بندگی‌اش در مقابل خدا بیشتر می‌گردد، چنین کسانی

هدفشان در عبادت فقط سپاس نعمت‌های خداوند و نظرشان به قرب پیشگاه ابدیت می‌باشد این بزرگترین امتیازات مردان الهی در ارتباط با خداست، محور اصلی زندگی آنها خدای تعالی و عشق به خداست، شدت توجه به خدا موجب شده بود که آنها لحظه‌ای از حق غافل نشوند، به طوری که اگر گاهی حالت غفلت در خواب یا بیداری به آنها دست می‌داد آن را برای خود گناه به حساب می‌آوردند. (9)

از دیگر ویژگی‌های آن حضرت این بود که هر دعایی را که شروع می‌کردند صلوات بر محمد و آل او می‌فرستادند در نماز یا غیر نماز بسیار صلوات می‌فرستادند، شب‌ها موقعی که می‌خواستند بخوانند قرآن تلاوت می‌کردند، موقعی که به آیات می‌رسیدند که در آن از بهشت و دوزخ سخن می‌گفتند گریه می‌کردند و می‌فرمودند: «پناه می‌برم به خدا از آتش دوزخ»، آن حضرت هر سه روز يك بار تمام قرآن را تلاوت می‌کردند.

به همین دلیل همواره آنان را می‌بینیم که در وادی شکر الهی اظهار عجز می‌کنند و با این همه از خوف الهی لایه می‌کنند و این نشان دهنده تواضع و فروتنی آنها در مقابل ذات احدیت است.

پرهیزگاری و تقوای امام رضا علیه السلام طوری بود که نه تنها مردم، بلکه دشمنان نیز به آن اعتراف می‌کردند، ایشان همه فکر و اندیشه‌شان، حفظ دین خدا و اجرای وظایف الهی بود و نجات خود و مردم را در تقوا، پرهیزگاری و عبادت کردن می‌دانستند. چیزهایی که در دنیا وجود داشت، سبب نشد که ایشان از وظیفه خود دور بیفتند، ایشان به دنیا علاقه نداشتند و نسبت به آن بی‌رغبت بودند، زهد و عبادتشان بی‌نظیر بود، همیشه سعی داشتند مردم را به تقوا و عبادت و پرستش خداوند دعوت نمایند (10) چنان که به برادرشان زید فرمودند: «ای زید از خدا بترس، آن چه که ما به آن رسیده‌ایم به وسیله همین تقواست هر کس که تقوا داشته باشد و خدا را مراقب خود نداند از ما نیست و ما از او نیستیم.» (11)

منابع تاریخی، امام رضا علیه السلام را پرهیزگاری می‌دانند که مکرر به زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج و عمره می‌رفتند، ایشان به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه فراوانی داشتند، بالای قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفتند و خودشان را به قبر شریف می‌چسباندند، در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله شش یا هشت رکعت نماز می‌خواندند در رکوع یا سجده سبحان الله سه بار یا بیشتر می‌گفتند، زمانی که نمازشان تمام می‌شد به سجده می‌رفتند آن قدر سجده را طولانی می‌کردند که عرق ایشان روی ریگ‌های مسجد می‌ریخت، صورت مبارکشان را روی زمین یا خاک مسجد می‌گذاشتند، دائماً در حال عبادت بودند و به عبادت عشق می‌ورزیدند و برای عبادت خداوند انواع رنج‌ها را تحمل می‌کردند. (12)

امام رضا علیه السلام همچون پدر و اجداد پاکشان همواره قبل از هر چیز بنده خالص خداوند بودند، و همه چیز را در بندگی خدا دنبال می‌کردند در پرتو همین بندگی بود که به ارزش‌های والای انسانی و مقام‌های بلند معنوی دست یافتند. عبادت، راز و نیاز، مناجات و سجده‌های طولانی‌شان نشان می‌دهد که ایشان دل‌داده خداست رابطه تنگاتنگ عاشقانه با ذات پاک خداوند داشتند. یکی از همراهان این بزرگوار در سفر خراسان می‌گوید: به روستایی رسیدیم، آن حضرت به نماز ایستادند، و سجده‌های طولانی به جای آوردند، او می‌گوید: شنیدم امام در سجده می‌گفتند:

«خدایا اگر تو را اطاعت کنم حمد و سپاس مخصوص تو است و اگر نافرمانی کنم حجت و عذری برابرم نخواهد بود، من و دیگران در احساس تو شریکی نداریم اگر نیکی به من رسد از جانب تو است. ای خدای بزرگوار! مردان و زنان با ایمان را در مشرق و مغرب در هر کجا هستند پیامبر.» (13)

با توجه به مضمون دعاهای ائمه می‌بینیم دعای امامان ابتدا برای دیگران به خصوص مومنان بود بعداً برای خودشان دعا می‌کردند این نشان‌دهنده آن است که آنها چقدر به فکر دیگران بودند و در حق مردم مهربانی می‌کردند.

کسی را با تقوات نسبت به خدای متعال مثل او ندیده بودم، ذکر خدا همیشه بر لبانشان جاری بود، همیشه خداترس و پارسا بود، موقعی که وقت نماز می‌شد در سجده‌گاه خود می‌نشست و سبحان الله، لاله الا الله و ذکرهای دیگر می‌گفتند و بعد از نماز اطرافیان را نصیحت می‌کردند.

در مورد امام رضا علیه السلام باید گفت ایشان، اسوه کامل عبودیت بودند و در این راه به حدی رسیده بودند که ایشان را عاشق عبادت می‌دانستند. آن حضرت بسیاری از روزها را روزه داشتند و بسیاری از شب‌ها بیدار بودند. به طوری که در زمان ایشان و نه بعد از آن، کسی به این درجه نرسید حتی زاهدترین افراد.

نکته مهم دیگر این که امام رضا علیه السلام بسیاری از اوقات شبانه روز به درس و بحث مشغول بودند، فقه و علوم محمدی را به شاگردانشان درس می‌دادند زیرا ایشان درس را نمونه‌ای از ذکر و عبادت می‌دانستند و زمانی که از درس دادن فارغ می‌شدند به ذکر گفتن خدا می‌پرداختند. (14)

اباصلت می‌گوید: من در سرخس به خانه‌ای که حضرت را تحت نظر گرفته بودند رفتم، از نگهبان اجازه گرفتم او گفت: حالا موقع رسیدن به حضور ایشان نیست. گفتم: چرا؟ گفت: امام (علیه السلام) در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند و از نماز، يك ساعت پیش از ظهر و نزدیک غروب فارغ می‌شوند و همه اوقاتشان در جای نماز نشسته و مشغول مناجات خدا می‌شود. اباصلت به نگهبان می‌گوید در همین موقع اجازه بگیر. اتفاقاً اجازه گرفتند من در همان حال که ایشان انتظار نماز را داشتند به حضورش شرفیاب شدم. (15)

اهمیت امام به نماز در سیره عملی ایشان کاملاً مشهود است. نقل شده است روزی ایشان با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشتند و سخنان زیادی بین امام (علیه السلام) و حاضران رد و بدل می‌شد، جمعیت زیادی در آن مجلس حاضر بودند. زمانی که ظهر شد امام فرمودند: وقت نماز است. یکی از حاضران که عمران نام داشت گفت: سرورم سخنانمان را قطع نکن که دلم آزرده می‌شود شاید اگر سخنانتان را ادامه دهی مسلمان شوم. ایشان فرمودند نماز می‌خوانیم و برمی‌گردیم امام برخاستند و نماز خواندند. (16)

از دیگر ویژگی‌های آن حضرت این بود که هر دعایی را که شروع می‌کردند صلوات بر محمد و آل او می‌فرستادند در نماز یا غیر نماز بسیار صلوات می‌فرستادند، شب‌ها موقعی که می‌خواستند بخوانند قرآن تلاوت می‌کردند، موقعی که به آیات می‌رسیدند که در آن از بهشت و دوزخ سخن می‌گفتند گریه می‌کردند و می‌فرمودند: «پناه می‌برم به خدا از آتش دوزخ»، آن حضرت هر سه روز يك بار تمام قرآن را تلاوت می‌کردند و می‌فرمودند:

«اگر خواسته باشم قرآن را در کمتر از سه روز تمام کنم می‌توانم ولی هیچ آیه را نخوانم مگر این که در معنی آن آیه فکر کنم، و درباره این که آن آیه در چه موضوع و در چه وقت نازل شده، از این رو هر سه روز قرآن را تلاوت می‌کنم.» (17)

ایشان هر دعایی که می‌کردند خیلی زود به اجابت می‌رسید، نقل شده که به مأمون خبر داده بودند که امام رضا علیه السلام مجالس علمی مربوط به دین و مذهب تشکیل داده‌اند و این کار باعث شده مردم به مقام علمی ایشان پی ببرند. مأمون فردی را مأمور کرد که نگذارد مردم در این مجالس شرکت کنند، امام را نزد خود خواند و نسبت به ایشان بی‌احترامی و پرخاشگری کرد. ایشان از نزد مأمون با ناراحتی بیرون آمدند و در حالی که لب‌های خود را تکان می‌دادند و می‌گفتند: به خدا سوگند او را نفرین می‌کنم که یاری خداوند از او برداشته شود. موقعی که به خانه رسیدند دو رکعت نماز به جا آوردند. اباصلت می‌گوید: امام هنوز نمازشان را تمام نکرده بودند که زلزله‌ای در شهر اتفاق افتاد، فریادهای زیادی شنیده می‌شد و گرد و غبار زیادی از زمین بلند شد. اباصلت اضافه کرد من از جایم حرکت نکردم تا امام (علیه السلام) سلام نماز را گفتند. بعد از آن بالای پشت‌بام رفتم و بیرون را نگاه کردم و جز سرهای شکسته چیزی ندیدم بعد از مدتی مأمون و لشکرش در حالی که سرشان شکسته

بود را دیدم که با کمال خفت و خواری از شهر بیرون شدند. (18)

از اباضت هروی نقل شده است که روزی امام در منزل خود نشسته بودند، فرستاده هارون الرشید وارد شد و به ایشان چنین گفت: خلیفه شما را به حضور می‌طلبید. امام رضا علیه السلام برخاستند و

فرمودند: ای اباضت او مرا جز برای امر ناگواری احضار نکرده است ولی به خدا سوگند نخواهد توانست آنچه را ناپسند می‌دارم در حق من انجام دهد زیرا دعای جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه خود دارم که موجب حفظ جان من خواهد شد. ایشان وارد قصر هارون الرشید می‌شوند چون نگاه حضرت به هارون افتاد همان دعا را خواندند و در مقابل او ایستادند. هارون الرشید به امام چنین گفت: ای ابوالحسن، دستور داده‌ام یکصد هزار درهم به شما بپردازد تا شما نیازهای خانواده خود را برآورده کنید. چون علی ابن موسی علیه السلام از آن مجلس بیرون رفتند هارون چنین گفت: من خواهان چیز دیگری بودم و پروردگار چیز دیگری اراده کرد و آن چه خدا بخواهد همان شود. (19)

فردی به نام رجا بن ابی ضحاک (20) در مورد عبادت و مناجات امام رضا علیه السلام چنین می‌گوید: مامون مرا نزد امام علیه السلام به مدینه فرستاد که ایشان را از مدینه به خراسان نزد وی ببرد، مامون سفارش کرده بود که مواظب امام باشد. مسیر راه بصره، اهواز، فارس، خراسان بود و خیلی سفارش شده بودند که شبانه روز از ایشان جدا نشوند و می‌گوید من همیشه کنار امام بودم و کسی را با تقوا تر نسبت به خدای متعال مثل او ندیده بودم، ذکر خدا همیشه بر لبانشان جاری بود، همیشه خداترس و پارسا بود، موقعی که وقت نماز می‌شد در سجده‌گاه خود می‌نشست و سبحان الله، لاله الا الله و ذکرهای دیگر می‌گفتند و بعد از نماز اطرافیان را نصیحت می‌کردند. (21) رجا ابن ابی ضحاک اضافه می‌کند وقتی ایشان را نزد مامون بردم از من درباره احوالات امام پرسید من آنچه را دیده بودم برای او گفتم از رفتار و اعمال ایشان، رفتن و ماندنشان، همه آنچه که اتفاق افتاده بود. مامون گفت: ای پسر ضحاک این مرد بهترین خلق خدا روی زمین است، از همه مردم دانشش و عبادتش بیشتر می‌باشد آنچه که از ایشان دیدی نزد کس دیگر نگو تا بزرگواری او بر کسی آشکار نشود مگر از زبان خود من. (22)

سخاوت

از اصول اخلاقی که در زندگی هم‌امان فراوان دیده شده است جود و سخاوت است. سخاوت در مقابل بخل قرار دارد، یعنی انسان از امکانات مادی و معنوی که در اختیارش وجود دارد فقط خودش استفاده نکند بلکه با بخشش به دیگران قسمتی از مشکلات آنها را حل کند و دیگران را از نعمت‌هایی که خداوند به او داده، چه نعمت مادی و چه نعمت‌های معنوی مانند علم برخوردار کند. (23)

سخاوت از «سخاء» گرفته شده است و «سخا النار و یسخواها»، یعنی این که اگر خاکستر آتش را از آتش پاک کنیم، بهتر می‌سوزد و روشنایی‌اش بیشتر می‌شود، بنابراین تعریف سخاوت که از همین ریشه است موجب روشنایی و گرم کردن کانون خانواده‌های بینوایان می‌شود. (24)

شاید بهترین تعریف درباره سخاوت بیان امام رضا علیه السلام باشد که فرمودند:

«السخي ياكل من طعام الناس لياكلوا من طعامه و البخیل لياكل من طعام الناس لئلا ياكلوا من طعامه»؛ انسان سخاوتمند از غذای دیگران می‌خورد تا از غذای او بخورد، ولی انسان بخیل از غذای دیگران نمی‌خورد تا از غذای او نخورد. (25)

در بررسی سیره امام رضا علیه السلام ویژگی بذل و بخشش بسیار به چشم می‌خورد. ایشان بسیار صدقه پنهانی می‌دادند و اموال خویش را بین نیازمندان تقسیم می‌نمودند. روایت شده که ایشان یک سال تمام ثروت خود را در روز عرفه بین نیازمندان تقسیم کردند. فردی به ایشان گفت: این گونه بخشش، ضرر است. حضرت فرمودند: این گونه بخشش ضرر و زیان نیست بلکه غنیمت است، هرگز چیزی را که به وسیله آن طلب اجر و کرامت می‌کنید، غرامت و ضرر به شما نیاورد. (26) گزارش شده هر وقت سفره غذا را برای امام پهن می‌کردند کاسه‌ای نزدیک ایشان قرار می‌دادند، ایشان از هر نوع غذا مقداری را برمی‌داشتند و در آن کاسه می‌ریختند و دستور می‌دادند آن را بین فقرا تقسیم کنند. بعداً می‌فرمودند:

"فلا اقتحم العقبه (27)؛ باز هم به عقبه تکلیف تن در نداد ."

و می‌فرمودند: خداوند می‌داند که همه مردم قدرت این را ندارند که بنده آزاد کنند برای آنها راه دیگری قرار داده، و آن غذا دادن به فقرا است. (28)

شیوه امام علیه السلام در بخشش طوری بود که حتی کسی که مورد جود امام رضا علیه السلام قرار می‌گرفت، ذره‌ای احساس شرمندگی نکند. نقل شده که ایشان در مجلسی با یاران خود مشغول صحبت کردن بودند، جمعیت زیادی در آن مجلس حضور داشتند که ناگهان مردی بلند قامت و گندمگون وارد مجلس شد و به حضرت سلام کرد و گفت: من مردی از دوستان پدران و نیاکان شما هستم. از حج برمی‌گشتم که خرجی خود را گم کردم، اگر شما به من کمک نمائید تا به وطنم برسم پولی که شما به من می‌دهی، از طرفتان صدقه خواهم داد. حضرت فرمودند: بنشین. بعد از مدتی که جمعیت پراکنده شدند و جز عده‌ی کمی باقی نماندند امام به اتاقشان می‌روند و بعد از مدت کمی بازگشتند و دستشان را از بالای در بیرون آوردند و پرسیدند آن مرد کجاست؟ مرد جواب داد من در حضور شما هستم. ایشان فرمودند: این دوپست اشرفی را بگیر و خرج کن، لزومی ندارد که از طرف من صدقه بدهی از نزد من خارج شو تا ترا نبینم و تو نیز مرا نبینی. بعد از رفتن آن مرد، فردی که در آنجا حضور داشت به امام رضا علیه السلام عرض کرد: شما نسبت به این شخص احسان و بخشش نمودید. علت این که فرمودید تا شما او را نبیند و او شما را نبیند چیست؟ ایشان فرمودند: از ترس این که می‌باید شرمندگی در صورت او ببینم آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌اید که فرمودند: حسنه مخفیانه با هزار حج برابر است. (29) این عمل امام (علیه السلام) ما را متوجه مطلبی می‌کند و آن این که اگر انسان وقتی چیزی به بینوایی یا سائل می‌دهد بخشش نیست بلکه شکر نعمتی است که خداوند به او داده است. انسان تا موقعی که حقوق واجبی را نپرداخته در خطر بزرگی قرار دارد بخشش امام به خاطر دوستی کردن با دیگران نیست بلکه به خاطر شکر کردن نعمت‌های خداوند است که به ایشان داده است.

همچنین نقل شده است شخصی به حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام گفت: به قدر جوانمردی خودتان به من عطا و بخشش کنید. ایشان فرمودند: این اندازه برای من مقدور نخواهد شد. او گفت: پس به اندازه مروت من عطا کن. حضرت فرمودند: این مقدار ممکن می‌شود پس از این جریان به غلام خودشان دستور دادند تا مبلغ 200 اشرفی به او بدهند. (30)

علاوه بر نیازمندان، سخاوت امام رضا علیه السلام شامل حال شاعران و دستداران تواضع امام رضا چنان زیاد بود که زمانی که برای آن حضرت غذا می‌آوردند. ایشان غلامان و خادمان و حتی دربان و نگهبان را بر سر سفره می‌نشاندند و با آنها غذا می‌خوردند. همچنین نقل شده زمانی که آن حضرت تنها می‌شدند همه خادمان و غلامان خوشان را از کوچک و بزرگ جمع می‌کردند و با آنان سخن می‌گفتند و با آنها انس می‌گرفتند به طوری که غلامان آن حضرت هیچ ترسی از ارباب و مولای خود نداشتند. (31)

تواضع امام به اندازه‌ای بود که بعضی مواقع مردم ایشان را نمی‌شناختند و از افراد معمولی تمیز نمی‌دادند. نقل شده است که روزی ایشان وارد حمام می‌شوند مردی آن جا بود که ایشان را نمی‌شناخت به امام می‌گوید بیا مرا مشت و مال بده. حضرت شروع به مالیدن دست و پای او کردند زمانی که ایشان را شناخت عذر

خواهي كرد ولي امام او را دلداري دادند. (32)

ادب و تواضع امام رضا عليه السلام نسبت به ديگران به اندازه‌اي بود كه اگر فردي بر امام وارد مي‌شد ايشان به خاطر احترام گذاشتن به آن فرد از جايشان برمي‌خاستند و او را در مناسب‌ترين مكان‌ها جا مي‌دادند. (33)

در روزي كه ايشان مسموم شدند و در آن روز به شهادت رسيدند بعد از اين كه نماز ظهر را خواندند به فردي كه نزديكشان بود فرمودند: مردم (منظور اهل خانواده كاركنان و خدمتگزارانشان بودند) غذا خورده‌اند؟ آن فرد جواب داد: آقاي من در چنين وضعيتي كسي مي‌تواند غذا بخورد؟ در اين لحظه كه امام عليه السلام متوجه مي‌شوند كسي غذا نخورده، مي‌نشينند و دستور آوردن سفره‌اي را مي‌دهند همه را سر سفره دعوت مي‌كنند و آنها را يكي يكي مورد محبت قرار مي‌دهند. صبر و مقاومت

يكي از اصول مشترك در زندگاني امامان كه همواره در زندگي آنها مشاهده گرديده صبر و مقاومت است. اين بزرگواران الكوي بزرگ صبر و قهرمان مقاومت بودند.

در بررسي زندگي امام رضا عليه السلام مي‌بينيم كه ايشان نيز همچون ديگر امامان نمونه كامل اين صفت اخلاقي بودند. شايد بتوان از موقعيت‌هاي دشواري كه ايشان با آن رو به رو شدند زماني كه مأمون اين بزرگوار را به خراسان دعوت كرد نام برد.

ايشان براي وداع خانه خدا به مکه رفتند لحظه جدايي آن حضرت از فرزندش ابي جعفر محمد بن علي جواد (عليه السلام) بود كه ايشان با دلي استوار و مطمئن به قضا و قدر الهي اين مصيبت را تحمل كردند شكيبايي و بردباري آن حضرت در دوره خلافت مأمون در برابر سياست‌ها مرموز و پشت پرده او به ويژه جريان ولايتعهدی درجه صبر و تحمل آن حضرت را براي ما آشكار مي‌کند. (34)

امام رضا عليه السلام در دوران زندگي‌شان و زنداني بودن پدر بزرگوارشان مکرر سعه صدر از خود نشان مي‌دادند و مراقب اهل و عيال پدر ارجمندشان بودند. ايشان اهل حلم و شكيبايي بودند. در برابر افرادي كه با ايشان ستيزه و نزاع داشتند حلم و صبر مي‌ورزيدند. در برابر دهن كج‌هاي ديگران سعي مي‌کردند سكوت كنند. افرادي بودند كه نسبت به ايشان بي‌احترامي مي‌کردند. اما اين بزرگوار در برابر آنها خاموشي را انتخاب مي‌کردند. (35)

اخلاق اجتماعي امام رضا عليه السلام:

بهترين تعريف درباره سخاوت، بيان امام رضا عليه السلام است كه فرمودند:

"انسان سخاوتمند از غذاي ديگران مي‌خورد تا از غذاي او بخورند، ولي انسان بخيل از غذاي ديگران نمي‌خورد تا از غذاي او نخورد." "

رفتار امام رضا عليه السلام با خانواده

سراسر مدت سي و پنج سال امامت امام موسي كاظم عليه السلام با حوادث و فراز و نشيب‌هاي سياسي آميخته بود. بيشتر زندگاني ايشان در زندان‌هاي هارون الرشيد سپري شد. امام رضا عليه السلام در تمامي مدتي كه امام كاظم عليه السلام زنداني بودند دستيار و پشتوانه استوار پدر در حوادث سياسي فرهنگي بودند. شريك غم‌ها و رنج‌هاي پدرشان بودند هرگز در برابر قدرت‌طلبان هوس باز، خودشان را تسليم نكردند. ايشان راه پدر را ادامه دادند و مردم را به شدت از ياري رساندن و كمك به خلفاي طاغوتي دور مي‌کردند. چون امام كاظم عليه السلام بيشتر عمر شريف‌شان در زندان‌ها سپري شد، امام رضا عليه السلام به عنوان فرزند ارشد مسئول نگهداري خانواده ايشان بودند، ايشان در اين مدت طوري از خانواده‌شان مراقبت كردند، كه اجازه ندادند كسي به آنها بي‌احترامي كند، نهايت احترام را به آنها مي‌گذاشتند و خطرات دشمنان را از آنان دور مي‌کردند.

علاقه حضرت به خانواده‌شان در محبتي كه به امام جواد عليه السلام داشتند نيز قابل ملاحظه است. قبل از تولد امام جواد عليه السلام فردي به امام رضا عليه السلام مي‌گويد شما كودكان را دوست داريد پس از خداوند بخواهيد كه پسري به شما عطا كند. حضرت فرمودند: خداوند پسري به من خواهد داد كه وارث من مي‌شود هنگامی كه اباجعفر عليه السلام متولد شدند، حضرت در طول شب گهواره ايشان را حرکت مي‌دادند و با او بازي مي‌کردند. امام فرزندشان را آن قدر دوست مي‌داشتند كه شب را نمي‌خوابيدند و گهواره امام جواد عليه السلام را حرکت مي‌دادند. به ايشان عرض شد آیا مردم با پسرانشان چنين رفتار مي‌کنند؟ حضرت فرمودند: اين پسر مانند عامه مردم نيست به دنيا آمدن و رشد نمودن او مانند ولادت پدران پاكش است. (36)

رفتار امام با فرزندشان امام جواد عليه السلام آن قدر محبت آميز و توأم با احترام بود كه ايشان را به نام صدا نمي‌زدند بلكه بيشتر با كنيه مورد خطاب قرارش مي‌دادند. به عنوان مثال مي‌فرمودند: «ابوجعفر براي من نوشته است و من براي ابوجعفر نوشتم.» (37) به اين ترتيب مي‌خواست ايشان را احترام و تمجيد كنند.

نمونه ديگر علاقه و وابستگي امام رضا عليه السلام، محبتي بود كه به حضرت معصومه عليه السلام داشتند.

رفتار امام رضا عليه السلام با مردم

امامان با مردم نشست و برخاست داشتند و در تعاملات اجتماعي به نيكوترين صورت با آنان برخورد مي‌نمودند. اين سيره چنان نيكو بود كه با الگو قرار دادن آنان ما مي‌توانيم روش صحيح برخورد اسلامي با افراد گوناگون را بياموزيم.

با بررسي آيات در مي‌يابيم برخورد با انسان‌هاي مختلف بايد هماهنگ و متناسب با رويحه آنها باشد خداوند عزوجل در قرآن فرموده است:

"محمد رسول الله والذين معه اشداء علي الكفار رحماء بينهم" (38)؛ محمد فرستاده خداست و كساني كه با او هستند در برابر كفار سخت و شديد و در ميان خود مهربانند.

در آيه ديگري چنين فرموده:

"يا ايها النبي جاهد الكفار والمنافقين و اغلظ عليهم" (39)؛ اي پيامبر با كافران و مجاهدان جهاد كن و بر آنها سخت بگر.

از اين آيات چنين نتيجه‌گيري مي‌شود كه برخورد قرآن و اسلام با انسان‌هاي مختلف فرق مي‌كند. در بعضي جاها دستور به برخورد نيك و پر محبت مي‌دهد، «با مردم سخن نيك بگويد» (40) و در جاي ديگر دستور به برخورد ميانه مي‌دهد: «محمد فرستاده خداست و كساني كه با او هستند در برابر كفار سرسخت و شديد و در ميان خود مهربانند.» (41)

امام رضا عليه السلام به عنوان اسوه كانون مهر و عاطفه نسبت به بندگان خدا بود. در زيارت آمده است: السلام علي الامام الرتوف؛ (سلام بر امام و پيشواي با رفت و مهربان) اين لقبی است كه از طرف خداوند به ايشان داده شده است. ايشان بيشترين محبت و مهرباني را نسبت به مردم و اهل خانه و خدمت گزارانشان داشتند. در روزي كه ايشان مسموم شدند و در آن روز به شهادت رسيدند بعد از اين كه نماز ظهر را خواندند به فردي كه نزديكشان بود فرمودند: مردم (منظور اهل خانواده كاركنان و خدمتگزارانشان بودند) غذا خورده‌اند؟ آن فرد جواب داد: آقاي من در چنين وضعيتي كسي مي‌تواند غذا بخورد؟ در اين لحظه كه امام عليه السلام متوجه مي‌شوند كسي غذا نخورده، مي‌نشينند و دستور آوردن سفره‌اي را مي‌دهند همه را سر سفره دعوت مي‌كنند و آنها را يكي يكي مورد محبت قرار مي‌دهند. (42)

ايشان در جايي كه مربوط به شخص خودشان بود بزرگ‌ترين گذشت‌ها، عالي‌ترين ايتارها و بيشترين محبت را نسبت به ديگران داشتند. رفتار عملي امام رضا عليه

السلام نشانه انساني كامل و نمونه است كه هيچ علاقه‌اي به دنيا و ظواهر آن ندارد.

اگر فردي حتي كوچك‌ترين خدمتي براي امام رضا عليه السلام انجام مي‌داد، ايشان نهايت تشكر و قدرداني را به جا مي‌آوردند و حتما خدمت آن فرد را جبران مي‌نمودند. آن حضرت به مستضعفان و گرفتاران توجه خاصي مي‌كردند، اگر آنها گرفتاري و ناراحتي داشتند، سعي مي‌كردند مشكل آنان را حل كنند. زياد بودند افرايدي كه در سايه ياري رساني‌هاي امام عليه السلام به خيري دست يافتند.

پي‌نوشت‌ها:

1- از اصحاب رضا عليه السلام بود.

2- محمدباقر مجلسي، المكتبة الاسلاميه، تهران، 1371، ص 90-91، علي بن عيسي، الاربلي، كشف الغمه، ج 3، ص 156-157.

3- ابن بابويه، صدوق، عيون اخبار الرضا عليه السلام، علي اكبر غفاري، ج 1، ص 628.

4- از ياران و معاصران امام رضا عليه السلام بود.

5 - علي بن عيسي الاربلي، كشف الغمه، ج 3، ص 157.

6 - ر.ك باقر شريف، قرشي، پژوهشي دقيق در زندگي علي بن موسي الرضا، سيدمحمد صالح، تهران، دارالكتب اسلاميه، 1382، ص 59-60.

7 - ر.ك محمدبن محمد، مفيد ارشاد، هاشم رسولي محلاتي، تهران، نشر فرهنگ اسلامي، 1378، ج 2، ص 372-373.

8- ر.ك باقر شريف، قرشي، پژوهشي دقيق در زندگي امام رضا عليه السلام، ج 1، ص 57.

9 - ر.ك سيدهاشم، رسولي محلاتي، مجموعه آثار نخستين كنگره جهاني حضرت رضا، ناشر كنگره امام رضا، ص 425-426.

10 - ابن بابويه، صدوق عيون اخبار الرضا، علي اكبر غفاري، ج 2، ص 435.

11- ابن بابويه، صدوق، عيون اخبار الرضا، علي اكبر غفاري، ج 2، ص 573.

12 - همان، ج 2، ص 421.

13 - محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج 49، ص 92-93 .

14- ر.ك. حسين عمادزاده، مجموعه زندگاني چهارده معصوم، ص 1064.

15- ر.ك. ابن بابويه، صدوق، عيون اخبار الرضا، علي اكبر غفاري، ج 2، ص 431-432.

16 - ر.ك . محمدتقي، مدرسي، امامان و جنبش‌هاي مكتبي، حميدرضا آزين، چاپ اول 1367، مشهد، آستان قدس رضوي، ص 281.

17- ر.ك . ابن بابويه، صدوق، عيون اخبار الرضا، علي اكبر غفاري، ج 2، ص 420 .

18- ر.ك. ابن بابويه، صدوق، عيون اخبار الرضا، علي اكبر غفاري، ج 2، ص 402.

19 - ر.ك. محمدتقي، مدرس، امامان و جنبش‌هاي مكتبي، ص 248.

20 - گماشته ودابي مامون .

21- ر.ك. ابن بابويه صدوق، عيون اخبار الرضا، علي اكبر غفاري، ج 2، ص 421 .

22- ر.ك. ابن بابويه صدوق، عيون اخبار الرضا، علي اكبر غفاري، ج 2، ص 421.

23- ر.ك. محمد محمدي اشتهازي، اصول اخلاقي امامان، قم، دفتر تبليغات اسلامي، ص 53.

24- ر.ك. همان، ص 54.

25- ر.ك. محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج 49، ص 102.

26- ر.ك. محمد امين، سيره معصومان، حجتني كرمان، سروش، 1374، ص 150.

27- سوره بلد، آيه 11.

28- ر.ك. مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 49، ص 97، حسين عمادزاده، چهارده معصوم، ص 1065

29- ر.ك. مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 49، ص 101-100.

30- ر.ك. مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 49، ص 100.

31 - محمد امين، سيره معصومان، علي حجتني كرمان، ص 149.

32- محمدباقر، مجلسي، بحارالانوار، ج 49، ص 99، محمدجواد، فضل الله، تحليل از زندگي امام رضا عليه السلام، ص 43.

33 - محمدجواد فضل الله، تحليلي از زندگاني امام رضا عليه السلام، ص 45.

34 - ابن بابويه، صدوق، عيون اخبار الرضا، ج 2، ص 526.

35 - عمادالدين حسين، اصفهاني مشهور به عمادزاده، مجموعه زندگاني 14 معصوم، ص 1064.

36- محمدباقر، بهبهاني، جواد الاثمه، ترجمه ابراهيم سلطاني نسب صيام، اول ذيقعدة، 1381، ص 17.

37- باقر شريف، قرشي، پژوهشي دقيق در زندگاني امام رضا عليه السلام، 1382، ج 1، ص 51، ابن بابويه، عيون اخبار الرضا، ج 2، ص 596.

38- سوره فتح، آيه 29.

39- سوره توبه، آيه 73.

40- سوره بقره، آيه 83.

41- سوره فتح، آيه 29.

42- ابن بابويه، صدوق، عيون اخبار الرضا، علي اكبر غفاري، ج 2، ص 498.

خبرگزار ي فارس